هوالله - ای ياران روحانی ربّانی، عبدالبهاء چهل و سه…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٣٤

### هوالله

ای ياران روحانی ربّانی، عبدالبهاء چهل و سه سال در سجن عکّا مسجون و ايّام اخير چندی در حيفا بود چون غلّ و زنجير از گردن عبدالبهاء برداشته شد و بر عنق نامبارک عبدالحميد گذاشته گشت ابواب گشوده شد و راه سفر باز و مهيّا گرديد لهذا به اقليم ماه کنعانی شتافت تا در اين کشور صيت امر اللّه و آوازه ظهور اسم اعظم بلند گردد و نفحات قدس مشامها معطّر نمايد حال چندی است در قطر مصر ايّامی ميگذرانم و اميدم چنان است که ياران الهی نيز در اين ايّام جوش و خروشی بيش از پيش برآرند و زبان به تبليغ غافلان بگشايند شوری ديگر برانگيزند و ولوله در شهر اندازند کأس محبّة اللّه به دست گيرند و پاکوبان و رقص کنان باده بشارت کبری بنوشانند بلبلی که در موسم بهار بر شاخ گل نسرايد زاغ است و زغن نه مرغ چمن بلکه اهل گلخن است نه گلشن. ياران الهی الحمد للّه از خمخانه ربّانی سرمستند و با کمال شور و وله از باده الست قدح به دست و می پرست و همچنين ناس را گوشها باز است تا شهناز و آواز شنود و چشم ها نگران است تا مشاهده مه تابان نمايد دلها مشتاق است تا ندای محيی آفاق استماع کند ولی آن راه را دليل لازم و هادی سبيل واجب. ياران اگر همّتی نمايند و استقامتی بنمايند و زبان بگشايند و محافل را به ذکر حقّ بيارايند در اندک زمانی نار محبّة اللّه در آن کشور چنان شعله زند که جميع اطراف منوّر گردد عبدالبهاء چنين اميد از احبّا دارد و يقين است که مأيوس نخواهد شد و عليکم البهاء الأبهی\*\*.\*\* ع ع

